



• یک شنبه • ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۲۴

#### حدیث روز

خودداری از آزار رساندن، نشانه کمال خرد و مایه آسایش دو گیتی است.

امام سجاد(ع)، تحف العقول

ذکر یک شنبه

صد مرتبه «یا ذا الجلال والاكرام»

#### در محضر بزرگان

## تکالیف منتظران

استاد محمدرضا حکیمی می فرمایند: «باید بدانیم که در زمان غیبت حضرت حجت(عج)، مسلمان نباید در انجام دادن تکلیف‌های خود کوتاهی کند. همه دستورات دین، در این زمان نیز، به حال خود باقی است، واجب واجب است و حرام حرام. به ویژه تکالیف و وظیفه‌های اجتماعی. مثلا اگر در جامعه‌ای فساد رایج شد، و ظلم پا گرفت، مسلمان نمی‌تواند بگوید، بگذار باشد، امام زمان(عج) می‌آید و درست می‌کند و اصلاح می‌فرماید، تکلیف دینی خود آن امام است که از لحظه ظهور او شروع می‌شود. تا پیش از آن لحظه و آن روز، هر مسلمانی به همه تکالیف خود مکلف است، همین طور که باید نماز بخواند و روزه بگیرد، باید امر به معروف و نهی‌ی از منکر کند، با ظلم و ظالم بسنجد، به داد مظلوم برسد، برای از بین بردن ستم و بر پا داشتن عدل و داد، بکوشد و...»

برگرفته از «بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی»

#### غلط‌نویسیم

## سوما، چهار ما...!

«سوم» واژه پارسی است و ترکیب آن با تنوین قیدساز عربی جایز نیست. این واژه خود می‌تواند در مقام قید به کار رود و نیازی به تنوین ندارد. در زبان عربی از کلمه «ثالثا» استفاده می‌شود که در گذشته در زبان پارسی نیز از آن استفاده می‌شد.

برگرفته از «غلط‌نویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

#### حکایت

## نصرالدین کفشی می‌خرد!

نصرالدین برای خرید کفش نو راهی شهر شد. در راسته کفاشان مغازه‌های زیادی بود. مغازه‌دار کفش‌های زیادی به او نشان داد، حتی چند جفت هم از انبار آورد تا نصرالدین از میان آن‌ها یک جفت را انتخاب کند. نصرالدین یکی یکی کفش‌ها را امتحان می‌کرد اما هیچ کدام را باب میل اش نیافت. هر کدام را که پوشید ایرادی بر آن وارد کرد. از میان ده‌ها جفت کفش چیده شده، ناگهان متوجه یک جفت کفش زیبا شد و آن‌ها را پوشید. کفش‌ها درست اندازه‌اش پایش بودند. چند قدمی در مغازه راه رفت و احساس رضایت کرد. بالاخره تصمیم خود را گرفت. از فروشنده پرسید: «قیمت این کفش چقدر است؟» فروشنده جواب داد: «این کفش‌ها، قیمتی ندارند!» نصرالدین گفت: «چطور ممکن است؟ مرا مسخره می‌کنی؟» فروشنده گفت: «نه اصلا. این‌ها کفش‌های خودت است که هنگام وارد شدن به مغازه پوشیده بودی!»

سایت پندآموز

#### اندکی صبر

## همه پروانه

**افسانه فالچی**

با دامنی پر از پروانه به صید قاصدک و پروانه رفتم
به دامان پروانه راهم ندادند، ولی به فانوسم همه آویختند
آویختند به سوسویی تا بام خانه
حالا خانه ام همه فانوس و پروانه

#### دنیا به روایت تصویر



**روتیترز** | فرار از دود حاصل از سوزاندن لاستیک‌های کهنه در یک مرکز باز یافت، مکزیک

#### فتو ترانه



#### دور دنیا

## بزرگ ترین نقاشی دیواری با مداد



نامشان را در کتاب ر کوردهای گیش ثبت کنند.

## بد شانس ترین مرد دنیا!



او مجبور شد تا ساحل شنا کند و خودش را نجات دهد. بعد از این که دوران نقاهتش را گذراند، بار دیگر هدف حمله خرس قرار گرفت و وقتی هنوز حالش کاملا خوب نشده بود، یک مار سمی هم او را نیش زد. هر چند عده‌ای او را بدشانس می‌نامند اما خودش معتقد است که حسابی خوش شانس بوده که از همه این حملات جان سالم به در برده است!

#### سه نقطه



**گاردین** | اثر هنری دیجیتال که چراغ‌ها با حرکت بازدید کنندگان روشن می‌شوند، ژاپن

#### شبکه‌های اجتماعی

\* ولی ناخنک زدن به سیب‌زمینی سرخ کرده ناهار لذتیه که هیچ وقت نه قدیمی میشه نه تکراری!
\* یک جوری ملت واسه خریدن کتاب تو نمایشگاه هول شدن که انگار واقعا این کتاب‌هایی که می‌خرن رو می‌خونن!
\* این فصل سال اگر خیابون‌ها خلوت تر میشه تنها علتش اینه که نصف جمعیت رفتن بالای درخت توت!
\* وقتی روز تولد یکی رو با نوشتن «زمینی شدنت مبارک» تبریک میگی، من فکر می‌کنم یارو سبیه!
\* وقتی یکی سیر می‌خوره و شما بهش میگی د آدمس نناعی بخور، مثل اینه طرف سل گرفته باشه و بهش قرص سرماخوردگی بدی! اون رو باید سرشو قطع کنی تا بوش بره!
\* اگه کتاب خوندی و آدم‌هایی که کتاب نخوندن رو مسخره و تحقیر می‌کنی، بدون کل راه رو اشتباه رفتی، همه کتاب‌ها رو بریز دور!
\* از خیابون رد می‌شدم، طرف می‌گفت دلاره دلار، آقا دلار بدم؟ گفتم به قیافه من می‌خوره دلار بخرم؟ گفت نه، تو فعلا بیا این اسکناس‌های شب‌های برره رو ببین!
\* واقعا لزومی نداره از تک‌تک صفحات کتابی که دارین می‌خوین استوری بگیری، ها، بیا یگو ایها الناس من خیلی کتاب خونم. ما هم میگیم ایول. قول هم میدیم به بقیه هم بگیم که تو خیلی کتاب‌خونی!
\* ولی معلم هامون راست می‌گفتن، چیز خنده داری نبود، ما الکی می‌خندیدیم!

#### اینستاکردی

## دوست داشتن

سامیه لک که این شب‌ها با سریال «آنام» در تلویزیون ظاهر می‌شود، در صفحه اینستاکرام خودش نوشته است:
«مهربانی یک سلوک است! یک نیاز... نیازی برای آدم گذشته امروز. مهربانی یک انتخاب است. دوست داشتن حرمت است، منفعت نیست! خلوص است، رنگارنگ شدن نیست، صفای دل است و بلاهت نیست. دوست داشتن را دوست بداریم.»

#### شعر طنز

## ضرر داردا!

**امیرحسین خوش‌حال** | اشاعر و طنزپرداز

مردم آزاری، ضرر دارد عزیز
وقت خلوت پیش مادرشوهرت
کشف کردم توی درمناگه شهر
سعی کن باشی طلبکار از همه
کوه رفتن گرچه می‌چسبد ولی
غیر از این هم ورزش خیلی زیاد
از کنار و گوشه کارت بزن!
چون زمین خوردیم و فوراً پا شدیم

شامِ تکراری (!)، ضرر دارد عزیز
بودن جاری، ضرر دارد عزیز!
درد و بیماری ضرر دارد عزیز
چون بدهکاری ضرر دارد عزیز
جمعه‌بیداری ضرر دارد عزیز!
غیر دشواری ضرر دارد عزیز!
چون که پرکاری ضرر دارد عزیز
چون زمین‌خواری (!) ضرر دارد عزیز



**فرانس پرس** | غذا دادن گردشگران به فیل در کنار جاده، سریلانکا

#### تفال

برو به هر چه تو داری بخور دریغ مخور
که بی‌دریغ زند روزگار تیغ هلاک
به خاک پای تو ای سرو نازپرور من
که روز واقعه پا و امگیزم از سر خاک

#### دی‌روز‌نامه

## مجازات دل خنک کننده

**علیرضا کاردار** | طنزپرداز

چند وقتی است که روند جایگزین کردن مجازات‌ها برای محکومان در حال گسترش است. انصافا هم خیلی کار خوبی است، اگر یک نفر به محیط زیست آسیب برساند و چندین درخت را از ریشه دریاورد و با آن‌ها برای قلیانش زغال درست کند یا توله‌های یوز ایرانی را بگیرد و روی همان زغال‌ها کباب کند، یا شیلنگ فاضلاب کارخانه‌اش را توی دریا بیندازد، جریمه نقدی یا حبس به تنهایی شاید نتواند آن صدمه‌ها را جبران کند و دل ما را خنک!
بلاز اگر طرف را مجبور کنند که به ازای هر درختی که بریده، یک جنگل بکارد یا برود در آزمایشگاه و نسل یوز ایرانی را گسترش دهد یا نی ببرد و همه آن چیزهایی که توی دریا ول داده را سر بکشد، شاید بخشی از خسارت هایش را جبران کند و دل ما را هم خنک!

در همین راستا یک پزشک در یکی از شهرهای کشور به جرم کوتاهی در پرورنده پزشکی به پرداخت دیه و یک هزار و ۵۰۰ ساعت پذیرش رایگان بیماران در شهرستان‌های محروم استانش محکوم شده است. خیلی هم عالی. بلکه این طوری یاد بگیرد که از این به بعد حواسش را بیشتر جمع کند و بیماران را بیمارتر از قبل راهی خانه یا مرده شوی خانه(دور از جان!) نکند. ولی یک چیزی این وسط نگران کننده است. طرف اگر به جرم کوتاهی در پرورنده پزشکی محکوم شده است، از کجا معلوم که در آن ۱۵۰۰ ساعتی که قرار است رایگان بیماران را ویزیت کند، ۱۳۹۸ ساعتش را باز کوتاهی نکند؟ از کجا معلوم شخصی که با دل درد به سراغ پزشک می‌رود و فقط نفخ دارد و کارش با یک لیوان عرق نناع و نبات راه می‌افتد، باز دچار کوتاهی پزشک نشود و برایش عمل قلب باز تجویز نکند؟ یا اگر بیمار تنگی نفس دارد، پزشک دوباره کوتاهی کند و حواسش پرت شود و بیماری‌اش را گشادی عروق تشخیص دهد؟

به هر حال مجازات‌های جایگزین خیلی هم خوب است، به شرطی که محکوم قول بدهد دوباره آن جرم را در مجازات جدیدش تکرار نکند. و گرنه آن هیزم شکن خطاکار دوباره درختان همان جنگلی را که کاشته بود درو می‌کند، شکارچی غیرمجاز هم آن توله یوزها را پرورش می‌دهد و پروار می‌کند تا خوش طعم تر شوند و آن خلافکاری هم که فاضلاب توی دریا را سر کشیده بود، دوباره به دریا باز می‌گرداند!

#### نشر اکاذیب

### تشکیل گروه حمایت از حیوانات



به تازگی عده‌ای از جوانان ساوت همپتونی گروهی راه انداخته اند که علاوه بر حمایت از حیوانات زنده و مرده، از حیوانات مجازی و حتی پلاستیکی و پارچه‌ای هم حمایت می‌کنند. این گروه که خود را «حامی همه حیوانات» و به طور خلاصه «حهج» نامیده اند، اعلام کرده‌اند راضی به دیدن آزار و اذیت هیچ نوع حیوانی نیستند، حتی عروسک حیوانات. این گروه در آخرین عملیاتش روز گذشته تمام عکس‌ها و کلیپ‌های درون رایانه‌ها و گوشی‌های اهالی ساوت همپتون را پاک کردند تا با این کار حیوانات مجازی را هم از قفس رهایی ببخشند.

#### ما و شما

**داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده‌بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۹۰۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان ایتا بفرستید.**

\* زندگی سلام چرا از تلگرام رفتی  
عزیز؟ دل خوش به همین بودیم  
که درددل کنیم دلمون باز شه، ای روزگار...!  
**ما و شما:** الان هم با شماره جدیدی که بالا درج شده در ایتا هستیم .  
\* اگه قرار بود هر چیزی راحت به دست بیاد که دیگه جذابیتی نداشت.  
واسه رسیدن به بعضی چیزا باید سختی بکشی که وقتی رسیدی با تمام وجودت ازش لذت ببری.  
محمد جواد سلیمی  
\* آدم حسود شایعه می‌سازه، آدم احمق پخش می‌کنه. مسعود مجنون‌نور  
\* همسر عزیزم راهبه جان تولدت مبارک. همسرت علی  
\* مطلب «باخانمان» که خاتم صفری  
خواه نوشته را لطفا یک بار خودتان بخوانید. اگر سردرد نشدید.  
\* زمانی که دانش آموز بودم از معلمان ما حمایت می‌کردند. اکنون که خود معلم شدم از دانش‌آموزان حمایت می‌شود. این حقیر نه در آن زمان و نه در این زمان شانس نیاوردم!  
\* مگه با پیامک میشه طرح و ایده و عکس فرستاد؟  
\* معلم را بخش کردم، اولش محبت آخرش بکشت. خدا تو را می‌خواست و انتخاب حق خدا بود. همسر عزیزم دانای عشق، روزت مبارک.  
احمد آقا اوغلی، قوچان  
\* در آزمون هوش ما که هر چی هوشمون رو به کار انداختیم نه ماهی سرگردون رو دیدیم و نه راهی براش پیدا کردیم.  
جوادسریانی